

زیر پوست حقوق

شماره نخست - ۲۸ شهریور ۱۴۰۰

گفتگویی دوستانه و متفاوت با دکتر جواد کاشانی:

«انصاف به من حکم کرده که خودم را بازنشسته کنم»

دوماهنامه‌ی زیر پوست حقوق

شهریور ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی حقوق

سردبیر: بهاره مختاری، محمدمهدی نظری

مدیر مسئول: آرمان امینی

گرافیکست و صفحه‌آرا: مریم عباسی

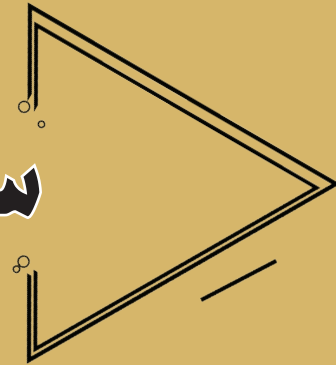
همکار این شماره: راشین متقی

@atu_law 

@law_allameh 

راه ارتباطی با سردبیرنشریه در تلگرام: t.me/zph_journal

سخن سردبیر



سلام و درود فراوان به یکایک شما عزیزان. پیش از هر چیز، ورودتان به محفل دانشجویی «زیر پوست حقوق» را گرامی می‌داریم؛ محفل دانشجویی متفاوتی که شبیه آن را، در جایی دیگر نخواهید یافت! نشریه‌ای که تلاش داریم تا در آن از دریچه‌ای نو به همه چیز نگاه کنیم و به بررسی موشکافانه و دقیق مسائلی در عالم حقوق پردازیم که مشتاق بیشتر دانستن درباره‌ی آن‌ها هستیم. ما در اینجا قصد آن را داریم تا در مورد انسان‌هایی که دوست‌شان داریم و موضوعاتی که به آن‌ها علاقه‌مند هستیم، دقیق‌تر شویم، بدون تعارفات و ملاحظاتی که عادتاً با آن‌ها روبرو هستیم، و البته با صمیمیت فراوان و بدون خشک در نظر گرفتن رشته‌ی حقوق! بهتر آن است که در کنار هم به همه چیز، نگاهی تازه داشته باشیم، نگاهی منعطف و متفاوت. چرا که در اینجا، آنچه که برای ما مهم‌تر است، دوستی، صمیمیت و سادگی است. تا به خود و همگان ثابت کنیم که عالم حقوق، می‌تواند و حتی می‌بایست فراتر از مواد قانون، اختلاف‌نظرها، تفاسیر و مباحث صرفاً حقوقی باشد. از اینکه با خواندن این خطوط، همراهی با «زیر پوست حقوق» را آغاز کردید، سپاسگزاریم.

پی‌نوشت: هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی زیر پوست حقوق، ضمن عرض تسلیت ضایعه‌ی درگذشت جناب استاد دکتر احمد گل محمدی به جامعه‌ی علمی ایران و به خصوص استادان و دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، در نظر دارد تا برای ادای احترام به این شخصیت بزرگوار و ارزنده، ویژه‌نامه‌ای مختص ایشان، تهیه و تدوین کند که به زودی انتشار خواهد یافت.

—سردبیر نشریه، بهاره مختاری

مصاحبه با جناب آقای دکتر جواد کاشانی
(رئیس سابق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی و عضو بازنشسته فعلی):

انصاف به من حکم کرد که خودم را بازنشسته کنم

«زیر پوست حقوق» را با مصاحبه با شخصیت علمی برجسته‌ای آغاز می‌کنیم که به خواست و اراده‌ی خود، از هیئت علمی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، درحالی استعفاء دادند که از قدیمی‌ترین اعضای هیئت علمی این دانشگاه و نیز دارای سوابق مدیریتی متعدد و درخشان از جمله مدیریت دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، بودند: جناب آقای دکتر جواد کاشانی. استاد بزرگوار، دوست‌داشتنی و جدی‌ای که با وجود بازنشستگی، به همان میزان گذشته، در حال فعالیت، تدریس و حضور در دانشگاه هستند اما درخواست انجمن علمی حقوق دانشکده برای انجام این مصاحبه را، صمیمانه پذیرفتند و زمان نسبتاً زیادی نیز به آن اختصاص دادند که از این بابت، از ایشان کمال تشکر را داریم. همچنین از جناب آقای دکتر آگاه، استاد مشاور انجمن علمی حقوق، از بابت همراهی ایشان در روند انجام این مصاحبه، سپاسگزاریم.

(متن اصلی مصاحبه از متن پیش‌رو به مراتب مفصل‌تر است و امکان درج تمام آن در نشریه، فراهم نیست اما نسخه‌ی کامل متن مصاحبه از طریق کانال تلگرام انجمن علمی حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، برای علاقه‌مندان، در دسترس خواهد بود.)





۱- جناب استاد چه چیزی باعث شد تا شما این رشته رو انتخاب کنید؟

درمورد این سوال حقیقت این هست که من در بدو ورود به رشته‌ی حقوق هیچ آشنایی یا پیشینه‌ای نسبت به این رشته نداشتم و درواقع حتی اطلاعی نداشتم که از رشته‌ی حقوق امکان ورود به چه مشاغلی وجود داره. من در مقطع دبیرستان وارد هنرستان و رشته‌ی برق شدم و بعد از دریافت مدرک دیپلم در سال ۵۶، چون قصد داشتم در رشته‌ی الکترونیک ادامه‌ی تحصیل بدم، به آلمان رفتم و برای گرفتن پذیرش، شروع به یادگیری زبان آلمانی و در کنار آن علوم پایه کردم. اما بنا به یک سری دلایل و از جمله به خاطر شروع جنگ در سال ۵۹ به ایران برگشتم. بعد از تثبیت شرایط قصد بازگشت به آلمان رو داشتم اما به خاطر مسائل مربوط به ویزا و... امکان بازگشت به آلمان وجود نداشت. از طرفی هم نسبت به ایران دلبسته‌تر شده بودم و اینطور شد که تصمیم گرفتم در ایران بمونم. در آن زمان دانشگاهها تعطیل بود و من در مهر سال ۶۰ تدریس در آموزش و پرورش را آغاز کردم و در کنار انجام تدریس و اشتغالات دیگر به شکل جدی به مطالعه ادبیات فارسی، زبان عربی، فلسفه و منطق که به کلی با پیشینه تحصیلم متفاوت بود، پرداختم. در نهایت در سال ۶۲ و بدون داشتن سهمیه در کنکور شرکت کردم و موفق به قبولی در رشته‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی شدم. اما در حقیقت رتبه و امتیازات من به نحوی بود که حقوق دانشگاه تهران هم قبول می‌شدم اما چون در اون زمان اطلاع دقیقی نداشتم، در ابتدا با اتکا به اطلاعات دیگران رشته‌ی حقوق رو انتخاب کردم و بعد هم دانشگاه بهشتی رو بالاتر از دانشگاه تهران انتخاب کردم. و درواقع اینطور بود که دست به انتخاب این رشته زدم.



۲- به خاطر دارید که اولین باری که شاغل شدید، چند سال داشتید و در چه شغلی آغاز به کار کردید؟

من تقریباً از ۱۲ سالگی مشغول به کار شدم و کارهای خیلی متنوعی انجام دادم. در دو تا تابستون و جمعاً به مدت ۴ ماه کار نقاشی ماشین انجام دادم. در تابستان سال ۵۵ و وقتی که سال دوم هنرستان رو به اتمام رسوندم، سیم‌کشی برق یک ساختمان سه طبقه رو انجام دادم و از اون زمان تا سال ۶۶ هم سیم‌کشی حدود ۸۰ ساختمان رو انجام دادم و در واقع این کار یکی از مهارت‌های خیلی کامل و بهره‌ده من هست که اگر از و کالت و معلمی در دانشگاه محروم بشم، میتونم با استفاده از اون، زندگی بالنسبه خوبی برای خودم فراهم کنم. و درواقع تقریباً بخشی از هزینه‌های سفر به آلمان از محل انجام همین کارهای سیم‌کشی ساختمان و رانندگی در آژانس فراهم شد. در مورد رانندگی در آژانس هم از سال ۵۴ از ماشین پدرم به شکل مخفیانه و یواشکی (!) برای کار و درآمدزایی استفاده می‌کردم.

۳- در مورد کارهای حقوقی چطور؟

من در زمانی که برای اولین بار به یک کار حقوقی مشغول شدم، نسبت به سایر دوستانم سن بیشتری داشتم. چرا که در سن ۲۴ سالگی وارد دانشگاه شده بودم و به نوعی نسبت به باقی افرادی که ۱۸ ساله بودند و با ما سر یک کلاس بودند، درک بیشتری داشتم. البته خیلی از افرادی که هم‌دوره‌ای من بودند، ۱۸ ساله نبودند. مثل آقای دکتر علومی یا آقای دکتر محسنی. به خاطر شرایط حاکم در اون زمان، همه‌ی دانشجویها حداقل ۱ تا ۳ سال پشت کنکور مونده بودند. من با توجه به سن بیشترم و داشتن تجربه‌ی معلمی و باقی مشاغل، اعتماد به نفسی پیدا کرده بودم که در سال ۶۴ و زمانی که سال دوم دانشگاه رو به اتمام رسونده بودم، مشاور حقوقی یک شرکت با حدود ۴۰۰ کارگر شدم و در واقع خود اون مشاور حقوقی شدن هم برای من خیلی آموزنده بود. از طرفی هم عنصر جوانی باعث می‌شد که پیگیری‌های قوی‌ای داشته باشم و کمبود دانش خودم رو با کمک دانشجویان سال بالاتر جبران کنم. و به طور کل برای من تجربه‌ی بسیار خوبی بود.

۴- می‌تونید از اولین باری که برای وکالت یک پرونده وارد جلسه‌ی دادگاه شدید و همچنین ماجرای پرونده، برامون صحبت کنید؟

همونطور که در سوال قبلی شما بهش اشاره کردم، من در ۲۶ سالگی به عنوان مشاور حقوقی شرکت شروع به کار کردم و اولین باری که مقابل قاضی قرار گرفتم، هنوز مدرک لیسانس رو هم نگرفته بودم و در آخرین سال از تحصیل در مقطع لیسانس، به عنوان نماینده حقوقی این شرکت دولتی در دادگاه حاضر شدم و مقابل قاضی قرار گرفتم و می‌خواستم برای یک شرکت دولتی زمینی را که مدت‌ها در تصرف داشت براساس قانون تملک اراضی برای امور عمومی توجیه کنم. جالب اینه که من هنوز هم لایحه‌ی اون دعوا رو دارم و گاه به گاه نگاهش می‌کنم. لایحه‌ای که در زمان جوانی نوشته بودم و پر از کلمات قلبه سلنبه‌ی حقوقیه. در اولین جلسه‌ی دادگاه هم در کنار اضطراب، اعتماد به نفس زیادی داشتم. به قول شما در حد بوندس لیگا و بنز و... و در اون دعوا هم مرحوم آقای دکتر نورعلی تابنده شخصی که در سال‌های اولیه‌ی انقلاب دادستان تهران بودند و آقای طاهری یک وکیل ۷۰ ساله به عنوان وکلای طرف مقابل (شرکت لوازم بهداشتی مینا)، وارد دعوا شده بودند. در اون پرونده هم موفق نشدیم که به نتایج دلخواه خودمون دست پیدا کنیم. اما به هر حال من اضطراب داشتم و حتی هنوز هم با ورود به دادگاه، به خاطر مسئولیتی که در یک پرونده برای خودم احساس می‌کنم، دچار اضطراب می‌شم.





۵- استاد چطور وضعیت ظاهری و نوع لباس پوشیدن شما همیشه مرتب و مناسبه؟ آیا ورزش خاصی انجام میدید؟

نگاه دیگران تا حدی برای من مهمه و دوست ندارم که دیگران در مورد من قضاوت شلختگی بکنند. ضمن اینکه معلمی و کسوت و کالت اجازه نمی دهد هرطور که خواستی لباس بپوشی، اما جدای از اینها، من از کودکی به شدت به ورزش علاقه مند بودم و برخلاف تحصیل، با ورزش خیلی زود ارتباط برقرار کردم. و روزهایی بود که شاید ۱۰ ساعت با دوستانم فوتبال بازی می کردم. بعد هم علاقه مند به کشتی شدم و وارد این رشته شدم اما بعد به دلیل آسیب دیدگی، این رشته رو کنار گذاشتم. در حال حاضر تقریباً دآوری همه‌ی ورزش‌ها رو بلدم و کمی از تاریخ هر رشته می‌دونم و در کل اگر یک شخص غیر حرفه‌ای در ورزش، قصد ورزش با من رو داشته باشه، می‌تونم سرگرمش کنم. مثلاً با شما می‌تونم به خوبی شطرنج بازی کنم، یا بدمینتون، پینگ پونگ رو هم خوب بازی می‌کنم در حدی که می‌تونم ببرمتون، یا در مورد تنیس می‌تونم سرگرم‌تون کنم. فوتبال هم در حال حاضر کمتر شده اما تا ۲،۳ سال پیش بازی میکردم. قبلاً در پست هافبک دفاعی اما در این اواخر که تحرکم کمتر شده بود، در پست دفاع بازی می‌کردم. بنابراین من همیشه ورزشکار بودم و حالا هم با آقایان دکتر طوسی، رحیمی و تقی‌زاده و قبلاً هم با مرحوم آقای دکتر گل محمدی روزهای یکشنبه و سه شنبه تاحدی که بتونیم بین ۲ ساعت و ۴ ساعت ورزش می‌کنیم. حتی دانشگاه هم جام‌های ورزشی داشته و در والیبال و فوتسال و.. هم به عنوان تیم دانشکده‌ی حقوق سابقه‌ی برد داریم. شخصاً در خورد و خوراک هم در مجموع یک سری تنظیمات دارم و در نهایت این موارد باعث شدند که یک مقدار تناسب اندام حفظ بشه.

۶- یک استاد محبوب در ایام تحصیل؟

در دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به مرحوم دکتر شهیدی علاقه‌مند بودم. چرا که ایشان به صورت واقعاً رضایت‌بخشی پاسخگوی دانشجویان خودشون بودند. کلاس‌های ایشان همیشه پرجاذبه و خوب بودند و من نزد ایشان بهترین آموزش‌ها رو دریافت کردم.



۷- پیشنهاد شما برای دانشجویان جدیدالورود دانشکده‌ی حقوق؟

در این خصوص: یک کلام! دانشجوی عزیزى که وارد دانشکده‌ی حقوق شدی این رو قدر بدون، چونکه در یکی از بهترین رشته‌ها پذیرفته شدی و بهترین آموزش در دوره‌ی کارشناسی به شما داده می‌شه؛ دوره‌ای که به بهترین شکل شما رو در پذیرش مسئولیت‌های شغلی توانمند میکنه. پس هر قدر دوره‌ی کارشناسی خودتون رو قوی تر و بهتر بگذرونید، در آینده موفق‌تر خواهید بود و رضایت شغلی خواهید داشت. حقیقت این هست که حتی اگر دکتری هم بگیرید اما در دوره‌ی کارشناسی تلاش و مطالعه‌ی کافی نکرده باشید، فایده‌ای نداره. پس در این دوره اهتمام ویژه‌ای داشته باشید. و سعی کنید در کنار تحصیل، به سراغ ورزش، هنر و قوی کردن ارتباطات اجتماعی خودتون برید. با دیگران دوستی پیدا کنید و سعی کنید به ورزش و هنر اشتغال داشته باشید تا روح و جسم شما برای یادگیری بهتر در دوره‌ی کارشناسی آماده بشه.

۸- بهترین و اثرگذارترین اثر حقوقی از دیدگاه شما؟

کتاب‌های مرحوم دکتر کاتوزیان رو کارهای بسیار خوبی می‌دونم اما به شخصه اثرگذارترین کتاب حقوقی برای من، کتاب مفهوم قانون از آقای هربرت هارت است. این کتاب رو به عنوان مقدمه و مؤخره‌ی حقوق، کتاب خوبی یافتیم و به نظرم در هر بخشی از حقوق می‌شه از مفاهیم این کتاب استفاده کرد.

۹- اهل سینما، موسیقی، هنر، ادبیات و... هستید؟

همه‌ی این‌ها رو واقعاً دوست دارم. مثلاً در تمام این ۳،۴ سال اخیر در تعطیلات نوروز رمان یا کتاب‌های اتوبیوگرافی و غیرحقوقی مطالعه می‌کردم. موسیقی هم به طور علمی و فنی بلد نیستم اما مثل همه‌ی افراد، علاقه‌مند به نوا و موسیقی هستم.

استاد معمولاً کارهای چه خوانندگانی رو دنبال می‌کنید؟ خوانندگانی مثل افتخاری، اصفهانی، چاووشی، اشرف زاده، قربانی، عصار و عقیلی و عمدتاً کارهای سنتی

سینما چطور؟ در مورد سینما هم باید بگم که کمابیش میرم اما خیلی به فضای سینما علاقه ندارم چون وقت زیادی نیاز داره و به نظرم فضای پیرامونی سینما و نمایش به نوعی یک فضای خودنمایی و خودنشون دادن هست و حواشی زیادی داره و به همین جهت چندان نمی‌تونم با این حوزه ارتباط برقرار کنم. اما با این حال، حوزه‌ی سینما و نمایش رو یک رسانه‌ی بسیار تاثیرگذار می‌دونم.

۱۰- ۵ کتاب غیر حقوقی مورد علاقه‌ی شما؟

کتاب چرا ملت‌ها شکست می‌خورند از دارون عجم اوقلو و جیمز ای رابینسون
سرزمین موعود از باراک اوباما
رضا شاه از دکتر صادق زیبا کلام
تغییر بزرگ جهان در سال ۲۰۵۰ جمعی از نویسندگان اکونومیست ترجمه ارکان زاده
مدیریت استعدادها از عباس توسلی

روزنامه یا نشریه چطور؟ من قدیم‌ها وقتی که در روزنامه‌ی اطلاعات، ستون دو کلمه حرف حساب گل‌آقا و مطالب آقای مهاجرانی درج می‌شد، مشتری پر و پا قرص اطلاعات بودم. قلم آقای رفیع رو هم خیلی دوست داشتم و همه‌ی این‌ها در روزنامه‌ی اطلاعات جمع شده بودند و من به نوعی به این روزنامه اعتیاد پیدا کرده بودم اما از دهه‌ی ۷۰ دیگه رفع شد. الان هم گاهی یک سری مجلات و نشریات جدید و خوب مثل بخارا یا مثلث یا بعضی از مجلات دیگه مثل مهرنامه و... رو که مطالب خوبی دارند، مطالعه می‌کنم.

درفضای مجازی فعالیت دارید؟ مثلاً اینستاگرام

نه حقیقتاً. چون فکر می‌کنم که خیلی وقت آدم رو میگیرند و انسجام ذهنی رو از بین می‌برند و حتی موجب انحراف از مسیرهای اصلی خواهند بود.

۱۱- به چه ورزشی علاقه دارید و بیگیر مسابقاتش هستید؟

من در تماشا به جز ۵ یا ۶ رشته ورزشی از تماشای هر ورزشی لذت می‌برم. اما وقتی رو مدیریت می‌کنم تا تمام وقتم صرف ورزش نشه. به شدت به فوتبال و والیبال و بسکتبال علاقه دارم. پینگ پونگ رو خیلی دوست دارم و الان هم بیشترین بازی ای که انجام میدم پینگ پونگ هست و همچنین پیاده‌روی.
طرفدار تیم خاصی هستید؟

من اون زمان که این چیزها مد بود، به خاطر بازی مستحکم تیم پاس تهران، طرفدار این تیم بودم اما بعداً (بین سال‌های ۵۸ تا ۷۰) به کلی مسئله‌ی طرفداری تیم‌های فوتبال در ذهن من تعطیل شد. حالا هم بیشتر به تجزیه و تحلیل بازی‌ها علاقه دارم و می‌تونم بگم که حتی از کارشناس‌های تلویزیون هم یک سر و گردن بالاترم و اینطور احساس می‌کنم که تحلیل‌های عمیقی ارائه می‌دم. درمورد تیم‌های فوتبال داخلی طرفدار تیمی نیستم اما بازی‌ها رو تماشا می‌کنم. در مورد تیم‌های خارجی هم مدتی فوتبال ایتالیا رو خیلی دوست داشتم. یا مثلاً در فوتبال آلمان، از وجود سرسختی بین بازیکن‌ها و ناامید نشدنشون تا لحظه‌ی پایان بازی، به وجد میام و گرنه از سایر جهات، به نظرم فوتبال آلمان کمی مکانیکی و کم طراوته. اما فوتبال ایتالیا رو گرمتر می‌دونم. و گاهی هم فرانسه. اما مطلوب‌ترین‌ها برای من لیگ اسپانیا و انگلیس هستند.





۱۲- استاد می‌تونیم بدونیم چطور با همسرتون آشنا شدید؟

من در سال ۶۳ و قبل از اینکه عازم مکه بشم، به خواستگاری یکی از دوستان خواهرم رفتم و جواب مثبت دریافت نکردم. در مکه که بودم از خدا خواستم تا کمکم کنه و بعد که برگشتم خواهرم دوست یکی از دوستانشون رو معرفی کردند و ما هم با سر تراشیده و ظاهری متفاوت با بقیه‌ی خواستگارها، به خواستگاری رفتیم و خوشبختانه خیلی زود همه چیز درست شد و من ۲۵ سال داشتم و خانومم هم ۲۲ سالشون بود. و خیلی زود هم ازدواج کردیم چون به هرحال در اون زمان شرایط ساده‌تر بود.

۱۳- در خانه سرباز هستید یا فرمانده؟

فرمانده ای که فرماندگی نمی‌کنه! (با خنده) اما دور از شوخی من و خانومم اصلاً چنین مسائلی نداریم و ارتباط واقعاً متفاوتی بین ما جریان داره و خیلی برای همدیگه احترام قائلیم. اعتماد متقابل بین مون هست و عملاً تصمیم‌گیری‌ها رو در کنار همدیگه انجام میدیم.

۱۴- استاد در زندگی تون چه تفریحاتی دارید؟

من همیشه به شدت اهل سفر بودم و در زمان نوجوانیم هم شاید هیچکس در اون سن و سال و محیط، به اندازه‌ی من سفر نمی‌کرد. مثلاً در ۱۷سالگی و در دوره‌ای که اصلاً متداول نبود، به شمال سفر می‌کردم. سال ۵۶ هم که ۱۸ سالم بود، با دونفر از دوستانم با ماشین به بندرعباس سفر کردیم و ۱۴۰۰ کیلومتر رانندگی کردیم. چون اون زمان نیروی دریایی درحال استخدام بود و ما هم دوست داشتیم که در اونجا استخدام بشیم. و درواقع همین سفرها بودند که این جرئت رو به من دادند تا بتونم در سن ۱۹سالگی، بدون اینکه جریان حمایتی قوی ای داشته باشم، به آلمان برم. بعد از اون هم همیشه مسافرت در میان بود و تقریباً همه جای ایران رو گشتم. خارج از ایران هم به جز آلمان، موقع بازگشت از آلمان یک گذری از کشورهای اتریش، یوگسلاوی، بلغارستان و ترکیه داشتم. ۵سال قبل هم سفری به افغانستان داشتم. تا قبل از کرونا هم هر هفته با همسرم به سفرهای مختلف به استان‌های نزدیک مثل قزوین، زنجان، سمنان و... می‌رفتیم و درحال حاضر هم گاهی به مناطق داخل استان سفر می‌کنیم.

۱۵- استاد نگاه شما نسبت به آینده و آتیه رشته‌ی حقوق در ایران چیه؟

فکر می‌کنم از یک جهت این آموزش فراگیر حقوق به خصوص در سطح کارشناسی تأثیر خوب و مثبتی بر اجتماع داره؛ چرا که هرچه در یک جامعه اطلاعات حقوقی افراد بیشتر باشه، امید به پیشرفت بیشتری هم وجود خواهد داشت و از این جهت باید خشنود بود. اما از یک جهت هم این گستردگی تعداد دانشجویان، درحالی‌که با عدم وجود شغل کافی برای فارغ‌التحصیلان مواجهیم، نگران‌کننده و مشکل‌آفرین خواهد بود. ضمن اینکه با افزایش گسترده‌ی دانشجویان، استانداردهای آموزش حقوق افت خواهند کرد و بدین جهت این مسئله ممکنه آسیب‌زا باشه. و فکر می‌کنم که حقوق رشته‌ایه که واقعاً جای نخبگان و افراد تلاش‌گره و بایستی افراد خیلی باکیفیت رو در این رشته جذب کنیم و آموزش‌های باکیفیتی هم ببینند تا شاهد پیشرفت هرچه بیشتر این رشته باشیم. علاوه بر این فکر می‌کنم ۴ واحد درس در کلینیک‌های حقوقی که در ترم‌های آخر تحصیل، جنبه‌های عملی را به دانشجویان یاد دهد، مؤثر است. در دوره‌های کارشناسی ارشد هم ایجاد رشته‌های کاربردی برای ارائه خدمات بهتر مثل ارشد حقوق مالیه، حقوق شهرسازی و روستایی، حقوق تأمین اجتماعی و... قابل انجام است.

۱۶- خود شما دوست دارید چه سوالی ازتون پرسیم؟

«اینکه چرا خودم رو بازنشست کردم.»

در این مورد ابتدا باید بگم که در دوران قبل از هیئت علمی شدنم، در جامعه‌ی علمی ایران، با توجه به اتفاقات مختلف و جابه‌جایی‌هایی که صورت می‌گرفت و به تبع اون، نیاز به عضو علمی در دانشگاهها احساس کردم که باید این مسئولیت رو بپذیرم و نیازی که در جامعه به وجود آمده رو به نوعی پاسخ بدم. اما امروز و در حال حاضر با نگاه به خودم و جامعه‌م، احساس می‌کنم که اون نیاز خاتمه پیدا کرده. در واقع اگرچه همچنان امکان اینکه عضو هیئت علمی باشم، وجود داره اما انصاف به من حکم می‌کنه که این صحنه رو ترک کنم و جای خودم رو به جوان‌ترها بدم. چرا که اگر قرار بر این باشه که تمام اعضای هیئت علمی دانشگاهها، قصد ماندن داشته باشند، جایی برای قشر جوان پیدا نخواهد شد. بنابراین من فقط یک باکس استخدامی در این دانشگاه رو ترک کردم و هنوز هم به عنوان کاشانی، همون کاشانی‌ای هستم که تا قبل از بازنشستگی، بودم. تنها با این تفاوت که یک شخص دیگه هم می‌تونه بیاد و به جای من در این دانشکده هیئت علمی باشه و اگر هم دانشگاه همچنان متمایل به این هست که از من استفاده بکنه، من هم کماکان در خدمت خواهم بود و در حقیقت اصلاً از حجم کاری من کاسته نشده.

هنوز هم در این دانشکده هستم و این میز و صندلی اینجاست و می‌تونید هر وقت که احساس دل‌تنگی کردید یا به کمک و راهنمایی نیاز داشتید، به من سر بزنید. من نه تمام شدم، نه این حس رو دارم که تمام شدم و نه حتی عملاً این اتفاق افتاده. من فقط رفتم تا یک موقعیت خوب برای جوانی که با امید زیاد لیسانس و فوق‌لیسانس و دکتری گرفته و مستعد و توانمند هست، فراهم بشه. و خوشحالم از این که این فرصت به دست اومد تا بتونم این مسئله رو توضیح بدم. چون خیلی از افراد معتقدند که من با بازنشستگی خودم به خودم و دیگران ظلم کردم اما خودم باور دارم که اصلاً چنین چیزی نیست. من هنوز هم به همون کارهایی مشغولم که قبل از بازنشستگی بهشون مشغول بودم و در کنارش، شخص دیگری هم وارد مجموعه‌ی ما شده و در این دانشکده در حال کار و فعالیت.



سخن آخر؟

واقعاً دیگه شما نفسی برای من باقی نگذاشتید و خیلی طولانی شد! (با خنده) البته ملاقات با شما برای من جای خوشحالی داشت. من برای شما و همه‌ی دانشجویان چه در زندگی عمومی و چه تحصیلی تون، آرزوی موفقیت و خوشبختی دارم و امیدوارم که قدر دوره‌ی کارشناسی و جوانی رو بدونید. چون شخصاً در سنین ۱۹،۲۰ سالگی فکر می‌کردم که وقت بسیار زیادی دارم و در آینده هر چه بخواهم، انجام خواهم داد اما الان و در سن ۶۲ سالگی حس می‌کنم که به یک چشم به هم زدنی ۱۹ سال رسید به ۶۲ سال. بنابراین شاد باشید، قدر لحظات رو بدونید، در این مدت باقی‌مانده از لیسانس، هر قدر که می‌تونید به دانسته‌ها و مهارت‌های خودتون اضافه کنید و به هر چیزی که حال تون رو خوب می‌کنه و در عین حال، به دیگران و آینده‌تون لطمه نمی‌زنه، پردازید و ازش غافل نشید. در دوره‌ی لیسانس هم لطفاً خیلی خوب درس بخونید. امیدوارم که همیشه موفق و مؤید باشید.



با تشکر از توجه شما ..